

انتشار «کار» باعث شد تا سراغ مع

زبان چرب و

روایت دلخواه پسری شبیه سمیر

حداقل ۱۰-۱۵ راوی در کتاب «روایت دلخواه پسری شبیه سمیر» داریم می‌گذارند. کتاب در واقع روایت زندگی رزمنده‌ای ایرانی است که شبیه داستان را گم نکنید.

کتاب به تاریخ معاصر عراق می‌پردازد و نشان می‌دهد که برای به قدرت

یک، دو، سه صدا می‌آد؟

خب از کجا شروع کنیم؟ از این که چهار ماه پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران متولد شد؟ یا این که چند اثر چاپ شده دارد؟ یا این که کی و کجا کتاب‌هایش نامزد دریافت جایزه شدند و جایزه گرفتند؟ یا این که کارشناس ارشد ادبیات است و در انواع مختلف ادبی اثر چاپ شده دارد؟ نه! از اسمش شروع می‌کنیم:

متشکل از چهار کلمه و سه بخش:

نام: محمدرضا

نام خانوادگی: شرفی

پسوند نام خانوادگی: خبوشان

اسم زیبای «محمدرضا» از آن دسته اسمی است که یا اسم خودت است یا اسم برادرت یا اسم پدرت یا عمومیت یا اسم دایی ات یا اسم شوهر خاله، شوهر عمه، پسر خاله، پسرعمو، پسر دایی، پسر عمه یا اگر جزو آن ۴۷/۳ درصدی باشید که در فامیل درجه یک و دو محمدرضا ندارند، با یک پله بالا رفتن در خانواده بزرگ خاندان، حتما یک محمدرضا پیدا می‌کنید.

فامیلی خانوادگی «شرفی» هم به مانند خانواده رجبی که حضور فعالی در تیتراژ انتهای فیلم‌ها دارند، به کثرت و نه به وفور در جامعه مان یافت می‌شود.

اما بخش سوم نام: «خبوشان». بعضی اسمی به شکلی خاص هستند که کافی است تو بگویی «ف» تا برویم «فرحزاد».

خبوشان هم از همین هاست. کافی است اهل کتاب باشی تا وقتی می‌گویند «خ» مستقیم بیایی در خانه «خبوشان» و با مشت در را بکوبی.

استادی داریم [که خدایش حفظ کند] می‌گفت: یکی از دلایلی که قیصر امین پور از سید حسن حسینی در میان مردم معروف تر است، به دلیل نام خاص «قیصر» است و «خب» «خبوشان» این مؤلفه نام خاص را دارد، هر چند هنوز آن چنان که باید و شاید در میان عامه مردم، شناخته شده نیست و ما عَرَفْنَاهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ.



کمیل فرحزادی

قفسه کتاب

آثارش [به مانند

«چشم‌هایش» بخوانید]:

شما فکر کن سر صبح جمعه با هدف رفتن به کوه سر از مغازه کلیچ‌فروشی محل دربیآوری و در هرلقمه تکه «زبان» بزرگی بگذاری لای سنگک داغ. خب همه‌اش مزه زبان می‌دهد دیگر! نمی‌دهد؟ البته مزه نان سنگک هم می‌دهد اما اصل کار همان زبان است.

کتاب‌های خبوشان خیلی مزه زبان می‌دهند تا جایی که بعضی جاها در بعضی کتاب‌هایش اصلا یادمان می‌رود این لقمه به این بزرگی اصلا چیزی غیر از زبان دارد.

البته که نان سنگک داستان‌های خبوشان «تاریخ» است. گاهی مشروطه، گاهی انقلاب اسلامی ایران و گاهی تاریخ دفاع مقدس و حتی تاریخ معاصر عراق. تاریخ قوت غالب محتوای آثار خبوشان است.

شما انگار زبان را بگذاری لای سنگک تاریخ و با آبلیمو و فلفل قرمز نوش جان کنی.

عاشقی به سبک ون‌گوگ

در «عاشقی به سبک ون‌گوگ» شرفی خبوشان راوی داستانی است که نه می‌توانی بگویی داستان انقلاب است و نه می‌توانی بگویی داستان انقلاب نیست. انقلاب پررنگ‌ترین زیر متن داستان است. داستان دست خواننده را می‌گیرد و می‌برد تا جایی که ریشه‌های انقلاب اسلامی و وقایع اجتماعی را از زمان قدرت داشتن خان‌ها بررسی کند و وقوع انقلاب را امری دفعی نداند. او همه اینها را در حاشیه داستانی عاشقانه بین دختر تیمسار و پسر خدمتکار خانه تیمسار می‌گوید که هر دو هم هنرمند و نقاش هستند. پسری که گذشته موهومی دارد و می‌خواهد تکه رنگ نشده زندگی‌اش را نیز رنگی کند.

عاشقی به سبک ون‌گوگ در هشتمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، نامزد دریافت جایزه کتاب سال بوده است.

کارخان

در حاشیه می‌شد تا «کارخانه» رمان نو بخش پس‌کوچ بعد تاریخ جریان د

موهای تو خانه ماهی‌هاست

در «موهای تو خانه ماهی‌هاست» با یک روایت عاشقانه تاریخی طرفیم. داستان حوالی یکی از مهم‌ترین وقایع منجر به پیروزی انقلاب یعنی واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ می‌گذرد و پسر نوجوانی که اتفاقات او را به این واقعه گره می‌زند و دست بر قضا در روستایی نزدیک ورامین زندگی می‌کند یعنی یکی از جاهایی که در خرداد ۴۲ علیه دستگیری امام خمینی (ره) دست به اعتراض زدند و کفن‌پوش به خیابان آمدند. این کتاب برای مخاطب نوجوان منتشر شده است و جایزه بهترین اثر جشنواره داستان انقلاب در بخش رمان نوجوان را نیز دریافت کرده است.



اشعار

بله. همان‌طور که بالاتر گفتیم شرفی خبوشان کارشناس است. هم اثر چاپ شده دارد. جالب است بدانید اولین اثر است و نه رمان نوجوان. اولین اثر او کتاب در سال ۱۳۸۲ منتشر دیگر کتاب «نا»

